



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

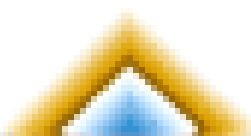
www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

مقالات

غدير

در آینه قرآن و روایات

مجید معارف



مؤسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

غدیر در آینه قرآن و روایات

نویسنده:

مجید معارف

ناشر چاپی:

مolf

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	غدیر در آینه قرآن و روایات
۶	مشخصات مقاله
۶	مقدمه
۶	زمینه های تاریخی حادثه غدیر -
۷	شیخ مفید در کتاب الارشاد آورده است:
۱۰	خطبه پیامبر(صلی الله علیه وآله) در غدیر خم
۱۳	بررسی هایی درباره حادثه غدیرخم
۱۳	۱ - جایگاه واقعه غدیر در منابع اسلامی
۱۵	۲ - بازتاب واقعه غدیر در تفاسیر قرآن
۱۵	الف - تفاسیر شیعه
۲۰	ب - تفاسیر اهل سنت
۲۲	شیخ مفید در کتاب الارشاد آورده است:
۲۹	منابع و مأخذ
۳۳	درباره مرکز

غدیر در آینه قرآن و روایات

کلید واژه اصلی :

اصطلاحنامه علوم قرآنی

اعلام و شخصیت ها :

غدیر

نویسنده:

معارف، مجید (استاد تمام گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران)، 1332 ش. شیراز-

خیراندیش دیجیتال: جناب آقای سید علی بحرینی به نیابت از مرحومه حاجیه خانم کسایی _ گروه هم پیمانان موعود غدیر.

مقدمه

از شواهد قطعی بر امامت امیر مؤمنان علی (علیه السلام) که در قرآن و روایات بر آن تأکید شده است، حادثه غدیر خم می باشد. در این باره آیاتی در سوره مائده وجود دارد که به عقیده مفسران شیعه و نیز بسیاری از مفسران اهل سنت تطبیقی جز با ولایت و امامت علی (علیه السلام) ندارد. همچنین در تفسیر این آیات روایاتی در کتب حدیث و تفسیر شیعه و سنی وارد شده که خلافت بلا فصل علی (علیه السلام) را قطعی و مسلم می کند؛ به گونه ای که برای حقیقت طلبان تردیدی در اولویت علی (علیه السلام) نسبت به دیگران در تصدی مقام خلافت باقی نمی گذارد. در این کتاب بر آنیم که با تکیه بر شواهد قرآنی و روایی به بررسی حادثه غدیر خم پرداخته و امامت علی (علیه السلام) را از این منظر مبرهن سازیم. زمینه های تاریخی حادثه غدیر

زمینه های تاریخی حادثه غدیر

با حلول ماه ذی القعدة سال دهم هجری، رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) تصمیم خود را جهت زیارت خانه خدا و ادای فریضه حج با مسلمانان در میان نهاد. این خبر به سرعت در شهر مدینه و اطراف آن منتشر گردید و علاوه بر آن به گوش مسلمانان دیگر که در نقاط مختلف عربستان زندگی می کردند رسید، به طوری که در اندک زمان هزاران نفر برای برگزاری فریضه حج در کنار رسول خدا (صلی الله علیه وآله) حاضر شدند.

در بیست

و پنجم ذي القعدة کاروان رسول خدا(صلي الله عليه وآله) با شمار زيادي از مسلمانان که مورخان تعداد آن ها را تا صد هزار نفر و يا اندکي بيشتري ذکر کرده اند، از مدينه به قصد مکه خارج گرديد. اين عده غير از کساني بودند که از نقاط ديگر عربستان از جمله ساکنان مکه و آبادي هاي اطراف آن به حج گزاران ملحق شدند.

شيخ مفيد در کتاب الارشاد آورده است:

پس از برخورد رسول خدا(صلي الله عليه وآله) با مسيحيان نجران و جريان مباحله، حجة الوداع به وقوع پيوست. اندکي قبل از اين پيشامد، پيامبر(صلي الله عليه وآله) علي(عليه السلام) را به يمن فرستاد تا خمس گنجينه ها و معادن را از اهالي آنجا بگيرد و آنچه را که مسيحيان نجران - از حله و پول متعهد شده بودند، دريافت کند. حضرت علي(عليه السلام) به محل مأموريت خود عزيمت کرد. رسول خدا(صلي الله عليه وآله) به کس ديگري غير از علي(عليه السلام) در اين کار اعتماد نکرد و در ميان مردم هيچکس را شايفته اين کار نديد. حضرتش علي(عليه السلام) را به عنوان نايب خود به اين سفر گسيل داشت، زيرا درباره انجام مأموريتي که بر عهده اش گذاشته بود، آسوده خاطر بود. در همين ايام رسول خدا(صلي الله عليه وآله) آهنگ حج نمود و پس از آن که جمعيت زيادي از مدينه و اطراف آن با پيامبر(صلي الله عليه وآله) همراه شدند، آن حضرت در بيست و پنجم ذي القعدة از مدينه خارج گرديد. همزمان با آن رسول خدا(صلي الله عليه وآله) نامه اي به علي(عليه السلام) که در يمن به سر مي برد ارسال کرد و در آن به آن

حضرت سفارش کرد که از یمن به مکه آید، اما در مورد نوع حج خود و چگونگی نیت آن مطلبی برای علی (علیه السلام) ننوشت. (1)

به هر حال، رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در جمع مسلمانان به سوی مکه به راه افتاد و حضرت علی (علیه السلام) نیز با سپاهی که همراهش بودند، از یمن به سمت مکه حرکت نمود. حضرتش با نزدیک شدن به مکه، سپاه را به شخصی سپرد و خود جهت دیدار پیامبر (صلی الله علیه وآله) به سرعت روانه گشت به طوری که موفق شد قبل از ورود به مکه رسول خدا (صلی الله علیه وآله) را ملاقات کند و درباره سفر خود و حله‌ها و هدایایی که آورده بود گزارشی تقدیم نماید. رسول خدا (صلی الله علیه وآله) ضمن اظهار خرسندی از دیدار علی (علیه السلام) از او سؤال کرد که: ای علی، به چه نیتی احرام بستنی؟ علی (علیه السلام) در پاسخ گفت: ای رسول خدا (صلی الله علیه وآله) شما برای من ننوشته بودی که خود به چه نیتی احرام خواهی بست، من به نیت شما آگاه نبودم، از این رو به هنگام احرام و تلبیه نیتم را به نیت شما پیوند زدم و گفتم: بار خدایا، من به همان نیتی احرام می بندم که رسول تو بسته است و سی و چهار شتر نیز برای قربانی با خود آورده ام. رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمود: الله اکبر! من شصت و شش شتر برای قربانی آورده ام. تو در حج و مناسک و انجام قربانی با من شریک هستی. اکنون بر احرام خود باش و به سوی لشکر باز گرد و آنان را سریعاً بیاور تا در مکه

ص: 3

1- جهت اطلاع از این خطبه بنگرید به السیرة النبویه معروف به سیره ابن هشام، ج 4، ص 250

به هم ملحق گردیم.

رسول خدا(صلي الله عليه وآله) جهت انجام مناسك حج چند روزي در مكه به سر برد. آن حضرت در روز عرفه - و به روايتي در روز عيد - خطبه اي در جمع مسلمانان ايراد فرمود كه در آن همگان را به رعايت تقواي الهي، تعهد به ارزش هاي اخلاقي و مراعات حقوق يكديگر سفارش نمود(1). پس از آن رسول گرامي(صلي الله عليه وآله) تصميم گرفت كه مكه را به قصد مدينه ترك گويد. فرمان حركت صادر گرديد و بار ديگر خيل عظيم مردم به همراهي پيامبر خود مكه را به قصد مدينه پشت سر گذاشتند. هنگامی كه اين كاروان عظيم به نزديك جُحفه رسيد، امين وحي الهي در نقطه اي به نام غدیر خم فرود آمد و اين آيه را به رسول خدا(صلي الله عليه وآله) نازل كرد كه:

(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ). (1)

يعني: اي پيامبر! آنچه را از سوي پروردگارت نازل شده است، به مردم برسان. و اگر چنين نكني، رسالت او را انجام نداده اي. و خداوند تو را از (خطرهاي احتمالي) مردم حفظ مي كند. و خداوند جمعيت كافران را هدايت نخواهد كرد.

با نزول اين آيه پيامبر(صلي الله عليه وآله) دستور داد كه كاروان از حركت باز ماند و با اين فرمان، مسلمانان كساني را كه در پيشاپيش قافله در حركت بودند، به بازگشت دعوت كردند و كساني كه در عقب بودند نيز به تدريج، به ديگران پيوستند. هنگام ظهر فرا رسيده بود و هوا به شدت گرم

ص: 4

بود؛ به طوري که مردم قسمتي از عباي خود را بر سر و قسمتي ديگر را به زير پا افکندند. وقت نماز فرا رسيد و پيامبر(صلي الله عليه وآله) به آنان اطلاع داد که همه بايد براي شنيدن پيام تازه اي آماده شوند. در اينجا مسلمانان منبري از جهاز شتران ترتيب دادند و رسول خدا(صلي الله عليه وآله) بر بالاي آن قرار گرفت و خطبه تاريخي خود را به شرحي که خواهد آمد، ايراد فرمود(1).

خطبه پيامبر(صلي الله عليه وآله) در غدير خم

علامه اميني در كتاب «الغدير» با استفاده از مدارك معتبر، خطبه پيامبر(صلي الله عليه وآله) را در غدير خم چنين گزارش کرده است:

حمد و ثنا مخصوص خداست. از او ياري مي طلبيم. و به او ايمان داريم. و بر او توکل مي كنيم و از بدني ها و اعمال نارواي خود به او پناه مي بريم. گمراهان را جز او راهنمايي نيست. و هر كس را كه هدايت كرد، گمراه كننده اي براي او نخواهد بود. گواهي مي دهيم كه معبودي جز او نيست و محمد(صلي الله عليه وآله) بنده و پيامبر اوست.

هان اي مردم! نزديك است كه دعوت حق را لتيك گويم و از ميان شما بروم. من مسؤولم و شما نيز مسؤوليد، اينك اندیشه و گفتار شما درباره من چيست؟ در اين هنگام مردم گفتند: گواهي مي دهيم كه تو رسالت خود را انجام دادی و براي ما كوشش نمودی. خداوند تو را پاداش نيك دهد...

رسول خدا(صلي الله عليه وآله) پس از اندكي فرمود: همانا من در انتقال به سراي ديگر بر شما سبقت خواهم گرفت، اما دو چيز گرانمايه در ميان شما مي گذارم.

ص: 5

1- ارشاد شيخ مفيد، ج 1، ص 158 - 165، با اندكي تلخيص. و نيز بنگريد به: اعلام الوري، ج 1، صص 259 - 263؛ سيرة المصطفى، ص 693: مبحث غدير خم.

بیندیشید که با این دو چیز چگونه رفتار می‌نمایید.

در اینجا يك نفر از میان جمعیت گفت: یا رسول الله، منظور از آن دو چیز گرانها و ارجمند چیست؟ رسول اسلام (صلی الله علیه وآله) فرمود: یکی کتاب خدا که بزرگتر است و وسیله ارتباط شما با خداوند است و آن دیگر که کوچکتر است، عترت و اهل بیت من است. و خداوند به من خبر داده است که این دو از هم جدا نمی‌شوند تا در کنار حوض بر من وارد شوند. هان ای مردم! از آن دو پیشی نگیرید و از پیروی از هر دو کوتاهی نکنید که هلاک خواهید شد. در این هنگام پیامبر (صلی الله علیه وآله) دست علی (علیه السلام) را گرفت و بالا برد به طوری که زیر بغل هر دو نمایان گردید. پیامبر (صلی الله علیه وآله) مسلمانان را به این صورت مورد خطاب قرار داد که:

«إيها الناس! من اولي الناس بالمؤمنين من انفسهم؟»

یعنی: ای مردم چه کسی از مردم به مؤمنان از خود آن‌ها سزاوارتر است؟ گفتند: خدا و رسولش داناترند. پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود: همانا خداوند مولای من و من مولای مؤمنان هستم و من بر آنان از خودشان سزاوارترم. سپس فرمود:

«من كنت مولاه فهذا علي مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه وانصر من نصره واخذل من خذله...».

یعنی: هر کس که من مولای اویم، علی مولای اوست. خداوند، دوستان او را دوست بدار و دشمنان او را دشمن بدار. محبوب بدار آن کس را که او را محبوب دارد و مبغوض دار آن کس که او را مبغوض دارد. یارانش را یاری

ص: 6

کن و واگذارندگان او را واگذار. و او را معیار و میزان حق قرار ده.

سپس فرمود:

«الافلیلغ الشاهد الغائب».

یعنی: آگاه باشید حاضران بایستی این امر را به غایبان برسانند.

هنوز جمعیت پراکنده نشده بودند که بار دیگر جبرئیل نازل گشت و این آیه را بر پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرود آورد که:

(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا). (1)

امروز آیین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان دین شما برایتان پسندیدم.

پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) با نزول این آیه فرمود: الله اکبر بر اکمال دین و اتمام نعمت و خشنودی خدا به رسالت من و ولایت علی بعد از من.

در این هنگام مردم نزدیک شدند و به علی (علیه السلام) به جهت این مقام و منزلت تهنیت گفتند. از جمله کسانی که قبل از دیگران به علی (علیه السلام) تبریک گفتند ابوبکر و عمر بودند که گفتند: به تو باد ای پسر ابوطالب که مولای ما و مولای هر مرد و زن مؤمنی گشتی!

سپس حسان بن ثابت از پیامبر (صلی الله علیه وآله) اجازه خواست که در این باره شعری بگوید. پیامبر (صلی الله علیه وآله) به او اجازه فرمود و او اشعاری سرود که ترجمه قسمتی از آن به شرح زیر است:

- پیامبر (صلی الله علیه وآله) به آنان در روز غدیر ندا داد. و چه سزااست ندای پیامبر (صلی الله علیه وآله) را شنیدن.

- فرمود: مولای شما و پیامبر شما چه کسی است؟ و آن ها بدون چشم پوشی و اغماض گفتند که:

- خدای تو مولای ماست

ص: 7

و تو پیامبر مایی. و ما از پذیرش ولایت تو سرپیچی نخواهیم کرد.

- پیامبر(صلي الله عليه وآله) به علي گفت: برخیز؛ زیرا من تو را بعد از خودم امام و رهبر انتخاب کرده‌ام.

- و سپس فرمود: هر کس که من مولا و رهبر اویم، این مرد مولا و رهبر اوست، شما هم از سر صدق و راستی از او پیروی کنید.

- در این هنگام پیامبر(صلي الله عليه وآله) عرض کرد: بار خدایا، دوست او را دوست بدار و دشمن او را دشمن بدار...

پس از آن که حسان بن ثابت شعر خود را سرود، رسول خدا(صلي الله عليه وآله) جمله معروف خود را درباره حسان به زبان آورد که: «تا وقتی که با زبان خود ما را یاری می‌کنی روح القدس موید تو است»⁽¹⁾.

پس از پایان مراسم تعیین جانشین در سرزمین غدیر خم، مسلمانان برخاستند و هر گروه و دسته‌ای به جانب مقصدی روانه گشت. پیامبر(صلي الله عليه وآله) و عده زیادی که از مدینه به همراه آن حضرت آمده بودند نیز راه مدینه را در پیش گرفتند به طوری که هنوز سال دهم به پایان نرسیده بود وارد مدینه شدند. و چندی بعد رسول خدا(صلي الله عليه وآله) به بستر بیماری افتاد که به رحلت آن سرور انجامید، در صورتی که اندکی قبل از آن تکلیف جانشین و رهبری پس از خود را تعیین کرده بود.

بررسی هایی درباره حادثه غدیر خم

1 - جایگاه واقعه غدیر در منابع اسلامی

آنچه در ماجرای غدیر خم قابل توجه است، نزول دو آیه از قرآن کریم درباره این حادثه بزرگ است. این آیات، آیه 67 از سوره مائده معروف به «آیه تبلیغ» و آیه سوم از همین

ص: 8

1- برای اطلاع بیشتر از خطبه رسول خدا(صلي الله عليه وآله) در روز غدیر و تفصیل ماجرا بنگرید به: الغدیر، ج 1، صص 31 - 34، با ترجمه فارسی سیره المصطفی، ص 693، نقل از منابع مختلف اهل سنت، ارشاد شیخ مفید، ج 1، ص 165، فراهایی از تاریخ پیامبر اسلام، صص 512 - 518

سوره معروف به «آیه اکمال» است. با توجه به این دو آیه، بحث غدیر وارد حوزه تفسیر شده و توجیحات مختلفی را از سوی مفسران شیعه و سنی به وجود آورده است. علاوه بر آن، واقعه غدیر عرصه منابع حدیثی، تاریخی، کلامی و حتی ادبی را در نوردیده و جایگاه وسیعی را در این منابع به خود اختصاص داده است. مطابق تحقیقات علامه امینی، 110 نفر در طبقه اصحاب پیامبر (صلی الله علیه وآله) و 84 نفر در طبقه تابعین - که شاگردان صحابه بوده اند - به نقل این واقعه پرداخته اند. و علاوه بر آن 360 تن از دانشمندان اسلامی در قرن های مختلف واقعه غدیر را به شکل مفصل یا مختصر در کتاب های خود آورده اند. (1)

طبقه دیگری که به این رویداد تاریخی توجه کرده اند، شعرا و نویسندگان بوده اند که در هر عصر و زمان با الهام از این واقعه، زیباترین قطعه های ادبی و قصاید خود را سروده و آن ها را به ارمغان تاریخ گذاشته اند. از این جهت می توان گفت: کمتر واقعه تاریخی در جهان بسان رویداد «غدیر» مورد توجه طبقات مختلف از محدث و مفسر و از متکلم و فیلسوف، از خطیب و شاعر و از مورخ و سیره نویس قرار گرفته و این اندازه به آن عنایت شده است. چنان که گذشت یکی از علل ابدیت و جاودانی بودن این حدیث، نزول دو آیه از آیات قرآن پیرامون این واقعه است. و تا روزی که قرآن ابدی و جاودانی است، واقعه غدیر نیز ابدی بوده و از خاطره ها محو نخواهد شد. (2).

دلیل دیگر در زنده بودن این

ص: 9

1- بنگرید به: الغدیر، ج 1، صص 40 - 240

2- فرازهایی از تاریخ اسلام، ص 514

حادثه تاریخی، بزرگداشت سالروز این واقعه به عنوان یکی از اعیاد اسلامی در بین مسلمانان است. بسیاری از دانشمندان اسلامی از جمله ابن خلکان در «وفیات الاعیان» و ابوریحان بیرونی در «آثار الباقیه» عید غدیر را از جمله عیدهایی بر شمرده اند که همه مسلمانان بر پا می داشتند و جشن می گرفتند.

علاوه بر کسانی که در منابع حدیثی، تفسیری، تاریخی و کلامی به بحث درباره واقعه غدیر پرداخته اند، تعداد 26 نفر از دانشمندان اسلامی کتب مستقلی در این باره تألیف کرده اند که نام آن ها و خصوصیات آثارشان در جلد نخست کتاب الغدیر آمده است. اما بدون تردید جامع ترین اثری که درباره واقعه غدیر خم تألیف شده، کتاب «الغدیر» است که به قلم محقق بزرگ شیعه آیت الله عبدالحسین امینی نگارش یافته است؛ به طوری که مطالعه این کتاب و تأمل در مباحث گوناگون آن حجت را بر هر خواننده ای در موضوع ولایت و جانشینی علی (علیه السلام) تمام می کند.

2 - بازتاب واقعه غدیر در تفاسیر قرآن

الف - تفاسیر شیعه

مفسران شیعه در ذیل تفسیر آیات «تبلیغ» و «اکمال دین» این دو آیه را با امامت علی (علیه السلام) منطبق دانسته و در این خصوص مباحث متنوعی را درج کرده اند. در این مباحث هم به روایاتی که از ناحیه پیامبر (صلي الله عليه وآله) و امامان مذهب وارد شده، استناد شده است و هم به شیوه کلامی استدلال هایی در اثبات امامت علی (علیه السلام) آورده شده است، به طوری که ارتباط هر دو آیه با امامت علی (علیه السلام) مبرهن می شود. (1)

به عنوان مثال در تفسیر عیاشی که از قدیمی ترین تفاسیر شیعه بوده و رنگ روایی دارد چندین روایت در ارتباط

ص: 10

1- فراهانی از تاریخ اسلام: ص 515

آیات تبلیغ و اکمال دین با ولایت و رهبری علی (علیه السلام) نقل شده است. از جمله در یکی از این روایات از قول ابن عباس و جابرین عبدالله انصاری آمده است که: «خداوند به پیامبر فرمان داده بود که علی (علیه السلام) را به جانشینی خود منصوب سازد و مردم را از ولایت او باخبر سازد، اما پیامبر (صلی الله علیه و آله) نگران بود که مردم بگویند او از پسر عموی خود حمایت کرده و در نتیجه سر به طغیان گذارند؛ تا آن که خداوند آیه: (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ...)» را نازل ساخت و پس از آن پیامبر (صلی الله علیه و آله) در روز غدیر خم ولایت علی (علیه السلام) را اعلام فرمود» (1).

مفسر بزرگ اسلام مرحوم طبرسی پس از نقل همین روایت در تفسیر مجمع البیان می نویسد: «این روایت را به همین شکل ابوالقاسم حسکانی در کتاب «شواهد التنزیل» ذکر کرده است. و علاوه بر آن ثعلبی در تفسیر خود این حدیث را با سندی که به ابن عباس می رسد، آورده است» (2).

طبرسی سپس می افزاید: «روایات وارده درباره حدیث غدیر از امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) در حدّ شهرت (وتواتر) است و حاصل این روایات آن که: رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نگران بود که اعلام جانشینی علی (علیه السلام) برای عده ای از اصحاب امری سنگین و غیر قابل تحمل باشد؛ تا آن که خداوند این آیه (آیه تبلیغ) را نازل ساخت و در آن رسول خود را ترغیب و دلگرم ساخت که به این کار اقدام کند. بنابراین مفهوم آیه چنین می شود که:

ص: 11

1- تفسیر عیاشی، ج 1، ص 360

2- مجمع البیان، ج 3، ص 344

اگر تبلیغ آنچه را بر تو نازل شده ترك كني و آن را پنهان بداري، گويي - از جهت مستحق عقوبت و مجازات شدن - چيزي از پيام هاي پروردگار را نرسانده باشي»(1).

پس از آن كه رسول خدا(صلي الله عليه وآله) رسالت خود را در معرفي علي(عليه السلام) به جانشيني خود به پايان برد آيه: (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا)(2) نازل گرديد. عياشي در ذيل همين آيه روايتي از امام باقر(عليه السلام) نقل کرده است كه در آن به زراره فرمود: «آخرين فريضة و امر واجبي كه خداوند نازل كرد ولايت علي بن ابي طالب(عليه السلام) بود. و سپس اين آيه نازل گشت كه: (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ).

و بعد از اين موضوع خداوند فريضة اي نازل نكرد تا آن كه رسول خدا(صلي الله عليه وآله) از دنيا برفت»(3).

طبرسي نيز به نقل از منابع اهل سنت همين مطلب را از قول ابوسعيد خدري نقل کرده و به دنبال آن افزوده است كه با نزول آيه اكمال، رسول خدا(صلي الله عليه وآله) فرمود:

«الله اكبر علي اكمال الدين و اتمام النعمة و رضا الرب برسالتي و ولاية علي بن ابي طالب من بعدي»(4).

نكات مهم و قابل توجه در تفسير آيه تبليغ

به عقيدة مفسران شيعه(5) در آيه تبليغ نكات مهمي وجود دارد كه ارتباط اين آيه را با موضوع جانشيني علي(عليه السلام) قطعي و مسلم مي كند. برخي از آن ها عبارتند از:

1 - در آيه تبليغ به مسأله مهمي اشاره شده است كه اگر پيامبر(صلي الله عليه وآله) آن را به گوش مردم نرساند، رسالت پروردگار را ابلاغ نكرده است.

ص: 12

1- مجمع البيان: ج 3، ص 344

2- مائده: 3

3- تفسير عياشي، ج 1، ص 321

4- مجمع البيان، ج 3، ص 246

5- براي اطلاع بيشتر از اين نكات بنگريد به: تفسير الميزان، ج 5، صص 67 - 85؛ پيام قرآن، ج 9، ص 190، بررسي شخصيت اهل بيت در قرآن، ص 131

و به عبارت دیگر این مسأله چیزی معادل اصل نبوت و رسالت پیامبر (صلی الله علیه و آله) بوده است که در صورت عدم ابلاغ آن اصل رسالت ناقص می شده است. چرا که می فرماید: (وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ).

یعنی: اگر این کار را نکنی رسالت او را ادا نکرده ای.

2 - این مسأله چیزی از قبیل نماز، روزه، حج و سایر عبادات اسلامی و یا اعتقادات دینی مثل توحید و معاد نبوده است. زیرا آیه تبلیغ در سوره مائده قرار دارد و سوره مائده در شمار آخرین سوره هایی است که بر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نازل گردید و حتی طبق برخی از روایاتی که در تفاسیر شیعه و سنی آمده است، آخرین سوره ای است که بر پیامبر (صلی الله علیه و آله) نازل شد (1) و تا این تاریخ تمام احکام عبادی و مسائل حلال و حرام نازل شده و به مردم ابلاغ گردیده بود.

3 - مسأله مورد نظر در آیه تبلیغ، مسأله ای خطیر بوده است؛ به گونه ای که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در ابلاغ آن واهمه داشت و نگرانی ها و ملاحظاتی را مد نظر قرار داده بود. لذا خداوند با پیام: (...وَاللَّهُ يَعْصِدُكُمْ مِنَ النَّاسِ)، حمایت خود را از پیامبر (صلی الله علیه و آله) اعلام نمود و در ابلاغ آن مسأله از سوی حضرتش دستور قطعی داد.

4 - کسانی که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نگران مخالفت و احتمالا شورش آن ها بوده است، مشرکان قریش نبوده اند. چرا که در این زمان، پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر جزیره العرب سیطره داشت و با برچیده شدن بت

ص: 13

1- از جمله بنگرید به تفسیر تبیان شیخ طوسی، ج 1، ص 413؛ تفسیر ابن کثیر، ج 2، ص 3

پرستی در سال هشتم هجری، دیگر اثری از نفوذ و قدرت مشرکان بر جای نمانده بود. و نیز آنان مخالفان پیامبر (صلی الله علیه و آله) از اهل کتاب نبوده اند. چرا که در پایان عمر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) اهل کتاب نیز قدرت و نفوذی در عربستان نداشتند؛ به خصوص که یهودیان در نبردهای مختلف خود با مسلمانان قلع و قمع شدند و نفوذ آن ها از عربستان برچیده شد (1).

بنابراین مصداق «ناس» در عبارت قرآنی: (وَاللَّهُ يَعْصِي مِمْنَ النَّاسِ)، کسانی جز منافقان درون جامعه اسلامی نبوده اند که با حساسیت فراوان تحولات اجتماعی را دنبال کرده و نگران رهبری جامعه اسلامی پس از رحلت پیامبر (صلی الله علیه و آله) بوده اند و پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) در معرفی علی (علیه السلام) به جانشینی خود، از مخالفت گروه دیگری غیر از آنان واهمه نداشته است.

5- با توجه به نکات فوق روشن می شود که تنها مسأله مهم که ابلاغ آن تا آن زمان به صورت همگانی و علنی صورت نگرفته بود، مسأله رهبری امت اسلامی پس از رحلت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و معرفی مصداق آن یعنی علی (علیه السلام) بوده است. و از آنجا که امامت و رهبری، اصلی در طول نبوت و رسالت به شمار می رود، خدای متعال به رسول خود (صلی الله علیه و آله) اخطار نمود که:

(وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ).

و پیامبر گرامی (صلی الله علیه و آله) با مقدمه های مناسبی که در حدیث غدیر وجود دارد - مثل: «إيها الناس من اولي الناس بالمؤمنين من انفسهم - به انجام رسالت الهی خود مبادرت ورزید.

6- و آخرین

ص: 14

1- در این باره بحث بیشتری از نظر خواهد گذشت.

نکته آن که: به تناسب آیه تبلیغ که در آن خداوند می فرماید: (وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ...), پس از آن که رسول خدا(صلی الله علیه وآله) علی(علیه السلام) را به جانشینی خود معرفی نمود، آیه: (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيَتْ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا). نازل گردید که نشان می دهد پیامبر(صلی الله علیه وآله) بدون واهمه به ابلاغ اوامر الهی اقدام نمود و در نتیجه مسأله کمال دین و تمام شدن نعمتهای الهی به مسلمانان در همان حیات پیامبر(صلی الله علیه وآله) تحقق یافت.

ب - تفاسیر اهل سنت

مفسران اهل سنت در تفسیر آیه تبلیغ بر دو مطلب بیشتر تأکید کرده اند که عبارتند از:

1 - آیه تبلیغ در مکه و در ابتدای دعوت پیامبر اسلام(صلی الله علیه وآله) نازل گردید و هدف از نزول آن، ترغیب رسول خدا(صلی الله علیه وآله) به ابلاغ آیات و احکام الهی به مشرکان بوده است. و با توجه به سیطره کفار و مشرکان در مکه، خداوند به رسول خود(صلی الله علیه وآله) وعده داد که او را از شر دشمنانش حفظ کند.

2 - آیه تبلیغ در مدینه نازل شده و با نزول آن رسول گرامی(صلی الله علیه وآله) موظف گردید که حقایق اسلام را بدون واهمه به اهل کتاب ابلاغ کند. خدای متعال نیز وعده فرمود که پیامبر خود را از کید یهود و نصارا حفظ نماید.

قابل ذکر است که علاوه بر این دو نظر، احتمالات دیگری نیز در تفاسیر اهل سنت آمده است که اکثر آن ها بر نزول آیه تبلیغ در مدینه دلالت می کند. به عنوان مثال فخر رازی در تفسیر آیه

تبلیغ ده احتمال را ذکر کرده و از جمله در احتمال دهم می نویسد: «این آیه در فضیلت علی بن ابی طالب (علیه السلام) نازل گردید و پس از نزول آن، پیامبر (صلی الله علیه وآله) دست علی را گرفت و فرمود:

«من كنت مولاه فهذا علي مولاه. اللهم وال من والاه و عاد من عاداه».

در اینجا بود که عمر با علی (علیه السلام) ملاقات کرد و گفت: ای پسر ابوطالب! این مقام گوارای تو باد که مولای من و مولای هر مرد و زن مؤمنی شدی». فخر رازی سپس ادامه داده است: «این مطلب از ابن عباس، براء بن عازب و محمد بن علی امام باقر (علیه السلام) روایت شده است (1)».

فخر رازی پس از آن نظر انتخابی خود را به این صورت ذکر کرده است: «روایات و نظرات در باب آیه تبلیغ گرچه فراوان است.

اما اولی آن است که بگوئیم خداوند پیامبر (صلی الله علیه وآله) خود را از مکر یهود و نصارا در امان نگه داشت و به او فرمان داد تا بدون واهمه به تبلیغ حقایق دینی پردازد. دلیل این نظر آن است که آیات قبل و بعد از آیه تبلیغ درباره اهل کتاب است و بعید است که این آیه از نظر موضوع از آیات قبل و بعد از خود منقطع و بیگانه باشد» (2).

از مفسران دیگر که درباره آیه تبلیغ سخن رانده است، شیخ محمد عبده در تفسیر المنار است. او برخلاف فخر رازی معتقد است که آیه تبلیغ در مکه نازل گشت و هدف از نزول آن ابلاغ فرامین و احکام الهی به مشرکان بوده است. سخن صاحب تفسیر المنار چنین شروع می شود: «آنچه به ظاهر

ص: 16

1- تفسیر مفاتیح الغیب، ج 12، ص 50

2- تفسیر مفاتیح الغیب، ج 12، ص 50

از آیه تبلیغ به ذهن متبادر می شود آن که رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در اوایل دعوت خود مأمور گردید که اسلام را در بین عموم مردم تبلیغ کند؛ چنان که مفسران، خصوصاً در تفاسیر روایی به این مطلب تصریح کرده اند. اگر این فرض صحیح نباشد، احتمال دارد مراد از آیه، ابلاغ حقایق اسلام به اهل کتاب باشد؛ اهل کتابی که در آیات بعد سخن از آنان رفته است. گویی که خداوند فرموده است: «بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ فِي شَأْنِ أَهْلِ الْكِتَابِ» (1).

قابل توجه است که شیخ محمد عبده نیز - همانند فخر رازی - در تفسیر خود به طرح ماجرای غدیر خم پرداخته و این جریان را به عنوان یک واقعه تاریخی تأیید می کند، اما در عین حال تلاش کرده است که اولاً: رابطه آیه تبلیغ را با ماجرای غدیر خم مورد انکار قرار دهد. و ثانیاً: در حدیث: «من كنت مولاه فهذا علي مولاه» مولی را به معنی دوست و یاور تفسیر کند (2).

و چنان که می دانیم این عقیده، دیدگاه اکثر علمای اهل سنت است که بدون آن که به نفی ماجرای غدیر خم پردازند، عملاً تلاش می کنند که ارتباط واقعه غدیر را با امامت و رهبری علی (علیه السلام) انکار کرده و آن را در حدّ سفارش پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) به دوستی با علی (علیه السلام) تنزّل دهند.

شیخ مفید در کتاب الارشاد آورده است:

پس از برخورد رسول خدا (صلی الله علیه وآله) با مسیحیان نجران و جریان مباحثه، حجة الوداع به وقوع پیوست. اندکی قبل از این پیشامد، پیامبر (صلی الله علیه وآله) علی (علیه السلام) را به یمن فرستاد تا خمس گنجینه ها و معادن را از اهالی آنجا بگیرد

ص: 17

1- تفسیر المنار، ج 6، ص 467

2- تفسیر المنار، ج 6، ص 465

و آنچه را که مسیحیان نجران - از حله و پول متعهد شده بودند، دریافت کند. حضرت علي (عليه السلام) به محل مأموریت خود عزیمت کرد. رسول خدا (صلي الله عليه وآله) به کس دیگری غیر از علي (عليه السلام) در این کار اعتماد نکرد و در میان مردم هیچکس را شایسته این کار ندید. حضرتش علي (عليه السلام) را به عنوان نایب خود به این سفر گسیل داشت، زیرا درباره انجام مأموریتی که بر عهده اش گذاشته بود، آسوده خاطر بود. در همین ایام رسول خدا (صلي الله عليه وآله) آهنگ حج نمود و پس از آن که جمعیت زیادی از مدینه و اطراف آن با پیامبر (صلي الله عليه وآله) همراه شدند، آن حضرت در بیست و پنجم ذي القعدة از مدینه خارج گردید. همزمان با آن رسول خدا (صلي الله عليه وآله) نامه ای به علي (عليه السلام) که در یمن به سر می برد ارسال کرد و در آن به آن حضرت سفارش کرد که از یمن به مکه آید، اما در مورد نوع حج خود و چگونگی نیت آن مطلبي براي علي (عليه السلام) ننوشت.

به هر حال، رسول خدا (صلي الله عليه وآله) در جمع مسلمانان به سوی مکه به راه افتاد و حضرت علي (عليه السلام) نیز با سپاهی که همراهش بودند، از یمن به سمت مکه حرکت نمود. حضرتش با نزدیک شدن به مکه، سپاه را به شخصی سپرد و خود جهت دیدار پیامبر (صلي الله عليه وآله) به سرعت روانه گشت به طوری که موفق شد قبل از ورود به مکه رسول خدا (صلي الله عليه وآله) را ملاقات کند و درباره سفر خود و حله ها و هدایایی که آورده

بود گزارشی تقدیم نماید. رسول خدا(صلي الله عليه وآله)ضمن اظهار خرسندي از دیدار علي(عليه السلام) از او سؤال کرد که: اي علي، به چه نيتي احرام بستي؟ علي(عليه السلام) در پاسخ گفت: اي رسول خدا(صلي الله عليه وآله) شما براي من نوشته بودي که خود به چه نيتي احرام خواهي بست، من به نيت شما آگاه نبودم، از اين رو به هنگام احرام و تلبیه نیتم را به نیت شما پیوند زدم و گفتم: بار خدایا، من به همان نیتي احرام مي بندم که رسول تو بسته است و سي و چهار شتر نیز براي قرباني با خود آورده ام. رسول خدا(صلي الله عليه وآله)فرمود: الله اکبر! من شصت و شش شتر براي قرباني آورده ام. تو در حج و مناسك و انجام قرباني با من شريك هستي. اکنون بر احرام خود باش و به سوي لشکر باز گرد و آنان را سریعاً بیاور تا در مکه به هم ملحق گردیم. (1)

رسول خدا(صلي الله عليه وآله) جهت انجام مناسك حج چند روزي در مکه به سر برد. آن حضرت در روز عرفه - و به روايتي در روز عيد - خطبه اي در جمع مسلمانان ایراد فرمود که در آن همگان را به رعایت تقوای الهي، تعهد به ارزش هاي اخلاقي و مراعات حقوق یکدیگر سفارش نمود(1). پس از آن رسول گرامي(صلي الله عليه وآله) تصمیم گرفت که مکه را به قصد مدینه ترک گوید. فرمان حرکت صادر گردید و بار دیگر خیل عظیم مردم به همراهي پیامبر خود مکه را به قصد مدینه پشت سر گذاشتند. هنگامی که این کاروان عظیم به نزدیک جُحفه رسید، امین

ص: 19

1- جهت اطلاع از این خطبه بنگرید به السیره النبویه معروف به سیره ابن هشام، ج4، ص250

وحي الهي در نقطه اي به نام غدیر خم فرود آمد و این آیه را به رسول خدا(صلي الله عليه وآله) نازل کرد که:

(يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ). (1)

يعني: اي پیامبر! آنچه را از سوي پروردگارت نازل شده است، به مردم برسان. و اگر چنين نكني، رسالت او را انجام نداده اي. و خداوند تو را از (خطره‌هاي احتمالي) مردم حفظ مي كند. و خداوند جمعيت كافران را هدايت نخواهد كرد.

با نزول اين آيه پيامبر(صلي الله عليه وآله)دستور داد كه كاروان از حركت باز ماند و با اين فرمان، مسلمانان كساني را كه در پيشاپيش قافله در حركت بودند، به بازگشت دعوت كردند و كساني كه در عقب بودند نيز به تدريج، به ديگران پيوستند. هنگام ظهر فرا رسيده بود و هوا به شدت گرم بود؛ به طوري كه مردم قسمتي از عباي خود را بر سر و قسمتي ديگر را به زير پا افكندند. وقت نماز فرا رسيد و پيامبر(صلي الله عليه وآله) به آنان اطلاع داد كه همه بايد براي شنيدن پيام تازه اي آماده شوند. در اينجا مسلمانان منبري از جهاز شتران ترتيب دادند و رسول خدا(صلي الله عليه وآله) بر بالاي آن قرار گرفت و خطبه تاريخي خود را به شرحي كه خواهد آمد، ايراد فرمود(2).

خطبه پيامبر(صلي الله عليه وآله) در غدیر خم

علامه اميني در كتاب «الغدیر» با استفاده از مدارك معتبر، خطبه پيامبر(صلي الله عليه وآله) را در غدیر خم چنين گزارش کرده است:

حمد و ثنا مخصوص خداست. از او

ص: 20

1- سوره مائده: 67

2- ارشاد شيخ مفيد، ج 1، ص 158 - 165، با اندكي تلخيص. و نيز بنگريد به: اعلام الوري، ج 1، صص 259 - 263؛ سيرة المصطفى، ص 693؛ مبحث غدیر خم.

ياري مي طلبيم. و به او ايمان داريم. و بر او توكل مي كنيم و از بدې ها و اعمال نارواي خود به او پناه مي بريم. گمراهان را جز او راهنمايي
نيست. و هر كس را كه هدايت كرد، گمراه كننده اي براي او نخواهد بود. گواهي مي دهيم كه معبودي جز او نيست و محمد(صلي الله عليه
وآله) بنده و پيامبر اوست.

هان اي مردم! نزديك است كه دعوت حق را لتيك گويم و از ميان شما بروم. من مسؤولم و شما نيز مسؤوليد، اينك اندیشه و گفتار شما
درباره من چيست؟ در اين هنگام مردم گفتند: گواهي مي دهيم كه تو رسالت خود را انجام دادې و براي ما كوشش نمودي. خداوند تو را
پاداش نيك دهد...

رسول خدا(صلي الله عليه وآله) پس از اندكي فرمود: همانا من در انتقال به سراي ديگر بر شما سبقت خواهم گرفت، اما دو چيز گرانمايه
در ميان شما مي گذارم. بينديشيد كه با اين دو چيز چگونه رفتار مي نماييد.

در اينجا يك نفر از ميان جمعيت گفت: يا رسول الله، منظور از آن دو چيز گرانها و ارجمند چيست؟ رسول اسلام(صلي الله عليه
وآله) فرمود: يكي كتاب خدا كه بزرگتر است و وسيله ارتباط شما با خداوند است و آن ديگر كه كوچكتر است، عترت و اهل بيت من
است. و خداوند به من خبر داده است كه اين دو از هم جدا نمي شوند تا در کنار حوض بر من وارد شوند. هان اي مردم! از آن دو پيشي
نگيريد و از پيروي از هر دو کوتاهی نکنید كه هلاك خواهيد شد. در اين

هنگام پیامبر (صلی الله علیه وآله) دست علی (علیه السلام) را گرفت و بالا برد به طوری که زیر بغل هر دو نمایان گردید. پیامبر (صلی الله علیه وآله) مسلمانان را به این صورت مورد خطاب قرار داد که:

«إيها الناس! من أولي الناس بالمؤمنين من أنفسهم؟»

یعنی: ای مردم چه کسی از مردم به مؤمنان از خود آن‌ها سزاوارتر است؟ گفتند: خدا و رسولش داناترند. پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرمود: همانا خداوند مولای من و من مولای مؤمنان هستم و من بر آنان از خودشان سزاوارترم. سپس فرمود:

«من كنت مولاه فهذا علي مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عاداه وانصر من نصره واخذل من خذله...».

یعنی: هر کس که من مولای اویم، علی مولای اوست. خداوند، دوستان او را دوست بدار و دشمنان او را دشمن بدار. محبوب بدار آن کس را که او را محبوب دارد و مبغوض دار آن کس که او را مبغوض دارد. یارانش را یاری کن و واگذارندگان او را واگذار. و او را معیار و میزان حق قرار ده.

سپس فرمود:

«الا فليبلغ الشاهد الغائب».

یعنی: آگاه باشید حاضران بایستی این امر را به غایبان برسانند.

هنوز جمعیت پراکنده نشده بودند که بار دیگر جبرئیل نازل گشت و این آیه را بر پیامبر (صلی الله علیه وآله) فرود آورد که:

(الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا). (1)

امروز آیین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان دین شما برایتان پسندیدم.

پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) با نزول این آیه فرمود: الله اکبر بر اکمال دین و اتمام نعمت

ص: 22

و خوشنودي خدا به رسالت من و ولايت علي بعد از من.

در این هنگام مردم نزدیک شدند و به علي (عليه السلام) به جهت این مقام و منزلت تهنیت گفتند. از جمله کسانی که قبل از دیگران به علي (عليه السلام) تبریک گفتند ابوبکر و عمر بودند که گفتند: به تو باد اي پسر ابوطالب که مولاي ما و مولاي هر مرد و زن مؤمني گشتي! سپس حسان بن ثابت از پیامبر (صلي الله عليه وآله) اجازه خواست که در این باره شعري بگوید. پیامبر (صلي الله عليه وآله) به او اجازه فرمود و او اشعاري سرود که ترجمه قسمتي از آن به شرح زیر است:

- پیامبر (صلي الله عليه وآله) به آنان در روز غدیر ندا داد. و چه سزااست ندای پیامبر (صلي الله عليه وآله) را شنیدن.

- فرمود: مولاي شما و پیامبر شما چه کسی است؟ و آن ها بدون چشم پوشي و اغماض گفتند که:

- خدای تو مولاي ماست و تو پیامبر مايي. و ما از پذیرش ولايت تو سرپیچی نخواهیم کرد.

- پیامبر (صلي الله عليه وآله) به علي گفت: برخیز؛ زیرا من تو را بعد از خودم امام و رهبر انتخاب کرده ام.

- و سپس فرمود: هر کس که من مولا و رهبر اویم، این مرد مولا و رهبر اوست، شما هم از سر صدق و راستي از او پیروي کنید.

- در این هنگام پیامبر (صلي الله عليه وآله) عرض کرد: بار خدایا، دوست او را دوست بدار و دشمن او را دشمن بدار...

پس از آن که حسان بن ثابت شعر خود را سرود، رسول خدا (صلي الله عليه وآله) جمله معروف

خود را درباره حسن به زبان آورد که: «تا وقتی که با زبان خود ما را یاری می کنی روح القدس موید تو است» (1).

پس از پایان مراسم تعیین جانشین در سرزمین غدیر خم، مسلمانان برخاستند و هر گروه و دسته ای به جانب مقصدی روانه گشت. پیامبر (صلی الله علیه وآله) و عده زیادی که از مدینه به همراه آن حضرت آمده بودند نیز راه مدینه را در پیش گرفتند به طوری که هنوز سال دهم به پایان نرسیده بود وارد مدینه شدند. و چندی بعد رسول خدا (صلی الله علیه وآله) به بستر بیماری افتاد که به رحلت آن سرور انجامید، در صورتی که اندکی قبل از آن تکلیف جانشین و رهبری پس از خود را تعیین کرده بود.

منابع و مأخذ

1 - قرآن مجید

2 - الارشاد، محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید)

3 - اعلام الوری، فضل بن حسن طبرسی

4 - البیان فی تفسیر القرآن، آیه الله ابوالقاسم خویی

5 - بررسی شخصیت اهل بیت در قرآن، ولی الله نقی پورفر

6 - پیام قرآن (تفسیر نمونه موضوعی)، ناصر مکارم و جمعی از نویسندگان

7 - پژوهشی در نظم قرآن، عبدالهادی فقهی زاده

8 - تاریخ قرآن، دکتر محمود رامیار

9 - تفسیر عیاشی، محمد بن مسعود عیاشی

10 - تفسیر تبیان، محمد بن حسن طوسی

11 - تفسیر مجمع البیان، فضل بن حسن طبرسی

12 - تفسیر معالم التنزیل، حسین بن مسعود فراء بغوی

13 - تفسیر الجواهر الحسان، عبدالرحمن ثعالبی

14 - تفسیر غرائب القرآن، نظام الدین نیشابوری

15 - تفسیر مفاتیح الغیب، فخر رازی

16 - تفسیر القرآن العظیم، ابن کثیر دمشقی

1- برای اطلاع بیشتر از خطبه رسول خدا (صلی الله علیه وآله) در روز غدیر و تفصیل ماجرا بنگرید به: الغدیر، ج 1، صص 31 - 34، با ترجمه فارسی سیره المصطفی، ص 693، نقل از منابع مختلف اهل سنت، ارشاد شیخ مفید، ج 1، ص 165، فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام، صص 512 - 518

- 18 - تفسیر نورالثقلین، عبد علی حویزی
- 19 - تفسیر فتح القدر، محمد علی شوکانی
- 20 - تفسیر المیزان، علامه سید محمد حسین طباطبائی
- 21 - تفسیر المنار، شیخ محمد عبده - سید محمد رشید رضا
- 22 - تفسیر الکاشف، دکتر سید محمدباقر حجتی - عبدالکریم، بی آزار شیرازی
- 23 - سیرة المصطفی، هاشم معروف حسنی
- 24 - سیره ابن هشام (السیرة النبویه)، محمد بن هشام
- 25 - سنن ترمذی، محمدبن عیسی ترمذی
- 26 - سنن دارمی، عبدالله بن عبدالرحمن
- 27 - صحیح مسلم، محمد بن مسلم بن حجاج
- 28 - الغدیر فی الکتاب و...، عبدالحسین امینی
- 29 - فرازهایی از تاریخ اسلام، جعفر سبحانی
- 30 - القرآن الکریم و روایات المدرستین، سید مرتضی عسکری
- 31 - الکافی (اصول)، محمدبن یعقوب کلینی
- 32 - معانی القرآن، محمدباقر بهبودی
- خود را بیازماید 1 - رابطه آیه تبلیغ و غدیر را شرح دهد.
- 2 - آیه اکمال را با ترجمه فارسی آن بنویسد.
- 3 - زمان نزول آیه اکمال را بیان کرده، پیام آن را شرح دهد.
- 4 - در حدیث غدیر چه موضوعاتی مطرح شده است، فهرستوار بیان فرماید.
- 5 - کلمه «مولی» در خطبه غدیر - با توجه به معانی متعدد آن در زبان عرب - را تحلیل فرماید.

پرسمان دانشجوئی

متکلمان و سایر شخصیت ها :

مجید معارف

ص: 25

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

